

شهید مطهری در نگاه مقام معظم رهبری



بی‌گمان شخصیتی برجسته و معروف که صدها یادگار ارج‌مند و گران‌بهای مکتوب و منطوق به جای نهاده و در چشم اهل نظر، اسلام‌شناسی عالم و متفکر و محقق و فیلسوف به شمار رفته است، نیازمند تعریف و توصیف نیست. با این حال جای

آن است که برخی از خطوط این چهره منور هم‌چون اصلی‌ترین و سازنده‌ترین خطوط برای ترسیم چهره‌ای که امروز به حق یکی از بزرگ‌ترین معماران بنای فکری نظام اسلامی به حساب می‌آید؛ بیش از پیش مورد مذاقه قرار گیرد. یکی از این خطوط ناب، فهم و آرایه صحیح اسلام است که شاید بتوان آن را بزرگ‌ترین و دشوارترین هنر شهید مطهری شمرد. اندیشه‌ای بزرگ و زبانی گویا و دانشی وسیع همراه با بصیرتی محیط بر همه جریان‌های فکری موجود در جامعه لازم بود تا بتواند از لایه ناسره‌هایی که به اسم اسلام ارائه می‌شد، اسلام ناب را استنباط و سپس عرضه کند و از هیچ یک از خطوط التقاط و انحراف رنگ نپذیرد. شخصیت مطهری همان مجموعه‌ای بود که می‌توانست به چنین مهمی پردازد؛ و پرداخت و در مدت ۲۵ سال استوارترین مجموعه از معارف اسلام را طی سخنرانی‌ها و درس‌ها و نوشته‌جات خود ارائه داد و تفکر اسلامی ناب را به عنوان مبنای نظام اجتماعی اسلامی پایه‌گذاری کرد.

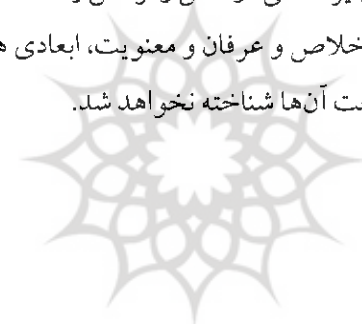
بی آن که نقش ارجمند دیگر کسانی را که در احیای حرکت روشن فکری اسلامی در ایران مؤثر بودند نادیده بگیریم، استاد شهید مطهری را از این جهت که بر ارائه اسلام متکی بر منابع اصیل و معتبر اصرار ورزید و از اجتهادهای غیر مستند و صرفاً متکی بر استحسان و ناشی از تطبیق اسلام بر اصول مکاتب رایج زمان با جمود عامیانه و خرافاتی به شدت پرهیز می کرد و بر حذر می داشت، در میان آنان شخصیتی تنها و منحصر می دانم و این ما را به خط برجسته دیگری در سیمای این فرزانه بزرگوار رهنمون می شود و آن شجاعت است.

این همان خصوصیتی است که در گزاره شخصیت والای استاد شهید مطهری از آن کم تر یاد شده است. شهید عزیز ما یک تنه در میان دو حرکت تعصب آمیز ایستاده و شجاعانه مقاومت می کرد. از یک سو با قشریونی که هر دریافت جدید اسلامی را که با اندوخته های ذهنی آنان منطبق نبود، تحت عنوان بدعت و انحراف به شدت می کوبیدند و حتی تحمل نظر مخالف در یک مسأله فقهی (مثلاً حجاب) را هم نداشتند؛ و از سوی دیگر با مدعیانی که به نام اسلام انقلابی هر تأویل و تفسیر نابجایی در مفاهیم اسلامی را روا شمرده، با گستاخی و بی پروایی به نام اسلام و قرآن سخن می گفتند.

مطهری آماج حمله این هر دو گروه بود که هر یک با شیوه مخصوص به خود سیل مخرب تبلیغات سوء و حملات مودیانۀ خود را به سمت این صخره همیشه استوار سرازیر می کردند. به جز این ها همه کسانی که سخن متقن و منطقی و قانع کننده اسلام را به زیان جهت گیری فکری و داعیه های گوناگون خود می دانستند نیز با استاد شهید مبارزه می کردند. شجاعت و سازش ناپذیری استاد شهید در مقابله با امواج گوناگون و پرخاشگری سرسختانه او نسبت به همه این جریان ها و هوش مندی او در تشخیص میزان خطر و اهمیت هر یک و آن گاه مقابله با پرخطرترین و جسورترین این جناح ها ویژه او بود. هیچ کس دیگر را این همه آماج مخالفت های تعصب آمیز و این همه مقاوم و این همه متکی به خود و سازش ناپذیر با مخالفان ندیده و نشناخته ایم. چنان که اشاره شد استاد شهید همه این جریان های منحرف و مخالف را در یک ردیف قرار نمی داد و هوش مندانه خطرناک ترین آن ها را مورد اهتمام قرار می داد و بدان می پرداخت و به حق در دوره ای، جریان التقاط از نظر استاد شهید مضرترین و خطرناک ترین جریان تشخیص داده شد و در حالی که بسیاری نادانسته

و برخی دانسته به آن جریان به چشم عطف و حمایت می‌نگریستند و یا با آن از سرسازش و ملاحظه کاری برخوردار می‌کردند، آن شهید عزیز بی‌هیچ ملاحظه و تساهل، آنان را همان‌گونه که می‌دانست و می‌شناخت معرفی می‌کرد و این را وظیفه‌ی اهمال‌ناپذیر خود می‌شمرد.

فهم و شناخت اسلام ناب و مستند، هوشمندی و بصیرت وافر در شناسایی جریان‌های منحرف و آلوده، شجاعت و بی‌پروایی در برخورد با این جریان‌ها، سه خصوصیتی بودند که به شخصیت چند بعدی و کم‌نظیر استاد فرزانه شهید ما جنبه‌ای استثنایی می‌بخشیدند اما بی‌شک آن روح لطیف و حساس و آن دل خاضع و باصفا و آن اندیشه‌ی بزرگ و توانا و آن نستوهی و پی‌گیری در کار و تلاش علمی و فرهنگی و آن تحصیلات عمیق و علم‌وافر و آن آگاهی از جریانات سیاسی و اجتماعی و آن هوشمندی در شناخت مصالح اسلام و مسلمین و آن قوت استدلال و چیره‌دستی در گفتن و نوشتن و آن همه سونگری در مقولات فکری و فلسفی و بالاخره آن اخلاص و عرفان و معنویت، ابعادی هستند که شخصیت بزرگ و کم‌نظیر او بدون شناخت آن‌ها شناخته نخواهد شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی